

یار و یاور جنبش رهایی زنان درگذشت



سحرگاه امروز مینا پس از چندین سال جدال مرگ و زندگی با بیماری جانکاه سرطان سرانجام ما را ترک کرد تا از این پس با خاطره پر قدرت او یادش را جاودانه کنیم. بسیاری از فعالین جنبش زنان و جنبش کمونیستی و انقلابی ایران و افغانستان او را با نام نسرین و ستاره می شناسند. او سال هائی از فعالیت انقلابی خود را در آلمان و ترکیه سپری کرد.

در زمانی که از هر سو صدای سازش با مرتجعین حاکم بر مردم ایران گوش ها را کر می کرد، در زمانی که گروهی از زنان به قیمت فروختن منافع اکثریت زنان ایران به نواله ای از سوی مرتجعین اسلامی دل بسته بودند و بسیاری از اپوزیسیون خارج کشور نام این حقارت را، «درایت و موقعیت شناسی» ارزیابی می کردند، مینا (نسرین) و عده ای از فعالین جنبش زنان «کمیته زنان هشت مارس» و سپس سازمان زنان هشت مارس (ایران- افغانستان) را در سال 1998 بعنوان تشکلی انقلابی که برای رهایی زنان از هر شکل ستم و استثمار مبارزه می کند، بنیان گذاشتند.

شاید امروز دیگر افشای ارتجاع زن ستیز اسلامی کار ساده ای باشد، اما در آن روزها که تب خاتمی و «اصلاحات» ارتجاعی همه گیر شده بود، کار آسانی نبود. مینا اما در افشای این ترفند پیگیر و جدی بود. او در تجمعات زنان شرکت می کرد. به کسانی که دچار تب گرفتگی خاتمی شده بودند هشدار می داد که خورشیدشان کاغذی است و بر این باور بود که اولین گام رهایی زنان در ایران سرنگونی کلیت نظام زن ستیز جمهوری اسلامی است.

او فقط دشمنی مریدان نظام جمهوری اسلامی و طرفداران دوم خرداد را به جان نخرید. او یار و یاور هر زن ستم دیده ای بود. نه فقط بی عدالتی و ستم را بر نمی تابید، حاضر نبود «فعال زنی» باشد که مقبول جامعه مردسالار است، پس گاه با دشمنی و تهدید مردانی روبرو می شد که فکر می کردند او کاخ کوچک ستمگری خانگی شان را تهدید می کند. او به زنان می آموخت که ستم چیست و چرا نباید به روابط ستمگرانه تن دهند. مینا محبوب زنانی بود که او را می شناختند و در موردش شنیده بودند. مینا معلم بود و دانش آموز. می گفت من، هم یاد می دهم و هم می آموزم.

آن عده از زنان و مردان انقلابی و مبارز افغانستانی که او را می شناختند احترام و علاقه ی عمیقی به او داشتند. چون حس می کردند که مینا انترناسیونالیسم را نه فقط باور دارد بلکه آن را زندگی می کند. فضای فعالیت در میان زنان و مردان افغانستانی که طعم تلخ شوونیسم ایرانی را چشیده بودند، آسان نبود. اما وی با صبوری و متانت تحمل می کرد تا نشان دهد که جنبش انقلابی زنان در ایران که او خود عضوی از آن بود انترناسیونالیسم را نه بعنوان درس اخلاق بلکه بخش لاینفکی از پیشروی جنبش زنان در ایران و سراسر جهان می داند.

مینا زندگی خود را در کمان رهایی انسان ها از هرگونه ستم و استثمار گذاشت. او در پیچ و خم حوادث، افت جنبش انقلابی در ایران و جهان، یاس ها و سرخوردگی ها، هرگز نره ای در انتخاب راه و وقف زندگی خود برای تغییر انقلابی جهان تردید نکرد. او معنای بودن خود را در تلاش برای تغییر و تحول می دید و پیشترها از هر فرصتی که دست می داد، زیستن برای ساختن آینده ای شایسته را در شعر می سرود. اشعار بجا مانده از او جلوه هایی از ژرفنای درون و گستره مفهوم زندگی در نزد اوست.

مینا پیش از رفتن «مرگ را سرودی کرد سرزنده تر از زندگی!» ما را ترک کرد اما رد او بر ساحل زندگی پر قدرت باقی است. او در خاطر همه زنان و مردانی جای خواهد گرفت که ارزش تلاش برای ساختن جهانی که شایسته ی زیستن باشد را می دانند. او امروز و همیشه در خاطره همه ستم دیده گانی خواهد ماند که پیشروان و یاران پیگیر خود را در مبارزه برای رهایی از جهان ستم و استثمار و جهل، ارج می گذارند. این چنین بود که مینا سرود ماندگار زندگی شد.

اندوه از دست دادن این رفیق گرامی را به جنبش انقلابی زنان، یاران، دوستان، آشنایان و به خانواده اش تسلیت می گوئیم.

یادش و خاطره اش پایدار و گرامی باد!

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

8 ژانویه 2011

www.8mars.com / zan_dem_iran@hotmail.com